



پژوهشنامه فلسفه دین

سال بیستم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص. ۱۷-۲۴.
مقاله کوتاه (DOI: 10.30497/PRR.2022.76207)

دروغ در اخلاق و الهیات عملی بر اساس دیدگاه پیتر کریفت

مریم اردشیر لاریجانی^۱

عبدالله عابدی فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

بنا بر برخی تعاریف، وظیفه الهیات عملی در وهله نخست تحلیل و تفسیر الهیاتی از واقعیات اجتماعی و فرهنگی و اعمال فردی و اجتماعی انسان‌ها و سپس ارائه راهکار الهیاتی متناسب با آن است. بر این اساس، دروغ که در اشکال متنوعی در زندگی روزمره متبلور می‌شود موضوعی درخور توجه است. پیتر کریفت، فیلسوف تومیست و مؤلف کتاب *الهیات عملی*، معتقد است که دروغ گاهی نه تنها بد نیست، بلکه خوب و لازم است؛ اما این را که در چه شرایطی دروغ گفتن بهتر از دروغ نگفتن است می‌توان با رجوع به شهود و وجدان دریافت. او با توسل به عقل‌گرایی ارسطویی-توماسی به نقد مکتب نام‌گرایی، فلسفه دکارت و کانت می‌پردازد و معتقد است اینان شهود را، که در فلسفه ارسطو و آکویناس ذیل عقل بود، به کناری نهادند و تعریفی از عقل ارائه کردند که گویی عقل صرفاً به مثابه کامپیوتری است که از قبل برنامه به آن داده شده و بر اساس آن عمل می‌کند. این در حالی است که در عقل‌گرایی ارسطویی-توماسی، شرایط و موقعیت و قصد اهمیت قابل‌توجهی دارد. در جواز صحت دروغ، کریفت و همفکران او بر آنند که شرایط، قصد خوب و شهود اخلاقی عواملی هستند که می‌توانند گاهی جواز صحت دروغ باشند. اما در مقابل نقدهایی بر دیدگاه ایشان وارد شده، از جمله این که این دیدگاه با آموزه‌های کلیسا و الهیات کاتولیک تنافی دارد و به نوعی شهود اخلاقی را جایگزین حقیقت مطلق موجود در آموزه‌های عیسی مسیح (ع) کرده است.

کلیدواژه‌ها

پیتر کریفت، کانت، دروغ، شهود اخلاقی، عقل‌گرایی ارسطویی-توماسی، الهیات عملی، اخلاق

۱. استادیار گروه فلسفه اخلاق، دانشگاه قم، ایران. (نویسنده مسئول) (m.larijani@qom.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشگاه قم، ایران. (abdollahabedifar@gmail.com)



Lying in Morality and Practical Theology from the Viewpoint of Peter Kreeft

Maryam Ardeshir Larijani¹

Reception Date: 2022/02/24

Abdollah Abedifar²

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Practical theology can be defined as theological analysis and interpretation of social and cultural realities and especially human actions, providing suitable theological solutions to human life problems. Lying, as a moral challenge appears in various forms in daily life and needs deep attention. Peter Kreeft, as a Thomist, believes that sometimes lying not only is not bad but also it is permissible. Nonetheless, the circumstances under which lying is permissible can be known by intuition and conscience. Relying on Aristotelian–Thomistic rationalism, he criticizes the doctrine of nominalism, the philosophy of Descartes, and the philosophy of Kant. He claims that they have denied the intuitions of reason (as accepted in the philosophy of Aristotle and Aquinas), and have narrowed the realm of the reason so as a computer program. Nevertheless, the circumstances and intention have considerable importance in Aristotelian–Thomistic rationalism. In defending the permissibility of lying, Kreeft argues that circumstances, good intentions, and moral intuition are factors that can sometimes indicate the permissibility of lying. On the other hand, some objections have been raised to this view, one of which is that it contradicts the teachings of the Church and Catholic theology, and seems replaced the absolute truth in the teachings of Jesus Christ with moral intuition.

Keywords

Peter Kreeft, Kant, Lying, Moral Intuition, Aristotelian–Thomistic rationalism, Practical Theology, Ethics

1. Assistant Professor, Department of Ethics, Qom University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

(m.larijani@qom.ac.ir)

2. Ph.D. Student of Ethics, Qom University, Qom, Iran. (abdollahabedifar@gmail.com)

۱. مقدمه

پیتر جان کریفت^۱، فیلسوف کاتولیک آمریکایی، مؤلف کتاب *الهیات عملی*، راهنمایی معنوی از قدیس آکویناس (Kreeft 2014)، در یکی از مقالات خویش (Kreeft 2011) به طرح موضوع «توجیه اخلاقی دروغ در شرایط بد»، که موضوعی بحث‌برانگیز در میان فیلسوفان کاتولیک است پرداخته که شهرت زیادی پیدا کرده است. او بیان می‌کند در مواردی از دروغ‌گویی هیچ عمل غیراخلاقی‌ای صورت نمی‌گیرد، از جمله وقتی که کسی با چیزی شبیه به دروغ جلوی یک کار غیرانسانی مثل سقط‌جنین را می‌گیرد^۲، یا وقتی یک هلندی برای نجات جان یک یهودی به یک نازی به دروغ گفت که او درخانه‌اش حضور ندارد، یا وقتی پلیسی مجرمی را فریب می‌دهد تا از این که نوجوانان را معتاد نماید جلوگیری کند. کریفت با این مثال‌ها تأکید دارد بگوید که دروغ و اعمال مشابه در شرایط بد و وخیم از منظر شهود اخلاقی اکثریت انسان‌ها قابل توجیه است.

۲. روش اخلاقی پیتر کریفت

کریفت اشاره می‌کند مجادله در مورد مؤسسه «لایو اکشن» و موارد مشابه آن احتمالاً ریشه در مناقشه در مورد روش‌های به‌کاررفته در فلسفه اخلاق دارد: یک روش ارائه تعاریف روشن از اصول کلی اخلاقی و بیان استدلال‌های منطقی معتبر بر اساس آنهاست؛ روش دیگر تجربه اخلاقی است، یعنی قضاوت‌های اخلاقی طبیعی و فطری که با بینش اخلاقی^۳ درونی و فطری‌مان در موقعیت‌های واقعی و محسوس صورت می‌پذیرد. به عقیده او، روش اول مربوط به کسانی است که قائل به قانون‌گرایی اخلاقی هستند و اشاره می‌کند که این گروه به خاطر ترس از نسبی‌گرایی اخلاقی در دام قانون‌گرایی اخلاقی افتاده‌اند. او می‌پذیرد که ترس اینان موجه است، ولی این که به دام قانون‌گرایی افتاده‌اند اشتباه است. خود کریفت شیوه دوم را برمی‌گزیند (Kreeft 2011).

۳. شهود به مثابه روش اخلاق

کریفت شرح می‌دهد که چگونه نام‌گرایی^۴ با اُکام شکل گرفت و سپس در فلسفه دکارت در قالب عقل‌گرایی و در فلسفه کانت به نحو دیگری جریان یافت. برداشت آنان از «عقل» موجب شد تجربه به کناری نهاده شود و عقل به آنچه کامپیوترها انجام می‌دهند شبیه شد. این در حالی است که معنای ارسطویی-تومیستی و به طور کلی معنای پیشامدرن «عقل» گسترده‌تر است، چرا که برای توجیه تعریف انسان به عنوان «حیوان ناطق یا عاقل» لازم

بود که «عقل» چنین گسترده باشد. اما مدرنیست‌ها همان طور که «عقل» را محدود کردند، «شهود» را نیز محدود کردند، به نحوی که «شهود» در نگاه مدرنیست‌ها به معنای «احساس غیرمنطقی یا غیرعقلی»^۵ است. مدرنیست‌ها «شهود اخلاقی» یا کاربرد آن را در قضاوت‌های اخلاقی مربوط به موقعیت‌های عینی و واقعی، مانند لایو اکشن، بخشی از عقل نمی‌بینند، آن طور که ارسطو، آگوستین و آکویناس معتقد بودند (MacIntyre 1988, 184-5).

به عقیده کریفت، دانش اخلاقی ما با تجربه اخلاقی - تجربه و شهود موارد ملموس - آغاز می‌شود. تنها پس از تجربه است که به سطح انتزاعیات یعنی اصول، تعاریف و استنتاج‌ها می‌رسیم. در مورد شهود اخلاقی، ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین مثال آن در اخلاق قانون طلایی است که اغلب با این صورت‌بندی برای کودکان بیان می‌شود: «آیا دوست دارید آنچه با ما می‌کنید با شما هم بکنند؟». این توسل به تخیل اخلاقی^۶ است که بر خلاف استدلال اخلاقی عینی است. بدون این تخیل اخلاقی هیچ استدلال اخلاقی از پیش تعیین شده‌ای برای ما ممکن نیست، زیرا ما نه فرشته‌ایم و نه کامپیوتر، بلکه انسانی با تجربه اخلاقی هستیم.

اگرچه به اعتقاد کریفت این شهودات و قضاوت‌های غریزی خطاناپذیر نیستند و منطق اغلب می‌تواند خطاهای ما را آشکار کند، اما هر استدلالی که با مخالفت با بینش اخلاقی ما شروع شود، تقریباً به طور قطع دچار اشتباه خواهد شد.

۳-۱. شهود و دروغ

کریفت می‌گوید اکثر شاگردان من هر قدر هم که اصول انتزاعی فلسفی و ایدئولوژیکی آنها را گپیچ کرده باشد، مردمی عادی با وجدان‌های سالم یا نسبتاً سالم هستند. هنگامی که آنها با یک قانون‌گرای اخلاقی مانند کانت روبرو می‌شوند که معتقد است همه دروغ‌ها از نظر اخلاقی اشتباه است، به طور غریزی احساس می‌کنند که او اشتباه می‌کند، اگرچه نمی‌توانند دلیلشان را توضیح دهند - همان طور که اغلب دانشجویان وقتی با «برهان هستی‌شناختی» سنت آنسلم مواجه می‌شوند به طور غریزی می‌دانند که به نحوی اشتباه است، هرچند نمی‌توانند به طور منطقی آن را رد کنند.

به طور مشابه، بیشتر (اگرچه نه همه) حامیان زندگی^۷ (مخالفان سقط جنین) به طور فطری از «لایو اکشن» حمایت می‌کنند، حتی اگر نتوانند به استدلال‌های منتقدانشان پاسخ دهند. و البته این تصادفی نیست که منتقدانشان بیشتر کانتی^۸ هستند نه ارسطویی! به

عقیده کریفت، حتی مطلق‌گرایان اخلاقی کاملاً مطمئن هستند که هلندی‌ها در فریفتن نازی‌ها و افشا نکردن محل اختفای یهودیان اشتباه نمی‌کردند. اما چند نکته قابل توجه است: ممکن است آنها ندانند که این مصداق دروغ است یا نه؛ اما می‌دانند که اگر چنین باشد پس دروغ همیشه اشتباه نیست. اما اگر فرض کنیم که دروغ همیشه اشتباه است، پس این دروغ نیست! زیرا آنها بدون هیچ تردیدی می‌دانند که چنین فریبی از جانب هلندی‌ها خوب است نه بد. به عقیده کریفت، اگر کسی به اصول فلسفی‌اش بیشتر اطمینان دارد تا به شهودش، او بیشتر مثل یک کامپیوتر، یک فرشته، یک عارف یا یک کانتی عمل می‌کند، تا مثل یک انسان.

هلندی‌ها به یهودیان قول دادند که آنها را از قاتلان‌شان پنهان کنند. برای حفظ این وعده باید نازی‌ها را فریب می‌دادند. اختفای فیزیکی و پنهان‌کاری گفتاری دو روی یک سکه هستند، چه آن را دروغ بگوییم، چه فریب، یا هر چیز دیگر، به هر حال کار خوبی است.

او نمونه‌های مشابه دیگری را نیز همچون افشاگری «لایو اکشن» در مورد مراکز «فرزندآوری برنامه‌ریزی‌شده»^۹ و جاسوسی را طرح می‌کند و می‌گوید: اگر «لایو اکشن» اشتباه است، پس جاسوسی نیز اشتباه است، از جمله جاسوسی از پروژه‌های بمب اتمی نازی‌ها و نجات جهان از هولوکاست هسته‌ای.

توماس آکویناس در جامع الهیات راجع به دروغ سخن گفته است (Aquinas 1985, Q. 110, A. 3, p. 2227). کریفت با نقل این مطلب از آکویناس که حتی شکنجه نیز گاهی موجه است نتیجه می‌گیرد که در شرایط اضطراری و مانند آن، اگر شکنجه را آکویناس درست دانسته (که به نظر می‌رسد بدتر از دروغ باشد)، پس دروغ در شرایط سخت را نیز موجه می‌دانسته است.

کریفت تأکید می‌کند که از نظر او مطلق‌های اخلاقی عینی و جهانی وجود دارد. برای مثال، هدف خوب وسیله بد را توجیه نمی‌کند یا این که ما هرگز نباید قتل، تجاوز یا توهین به مقدسات را انجام دهیم. اما می‌گوید در شرایط مخاطره‌آمیز مطمئناً فرزند شما نمی‌فهمد که چرا با دروغ گفتن به متجاوز نمی‌توانید او را نجات دهید؟!

۲-۳. دیدگاه کریفت در مقابل دیدگاه الهیات کاتولیک

طبق آموزه کلیسای کاتولیک، دروغ ذاتاً بد است و اعمالی که ذاتاً بد باشند صرف‌نظر از قصد و شرایط همیشه بد هستند. اما کریفت معتقد است که ما یک عمل اخلاقی و درست

را بر اساس قصد و شرایط و شهود اخلاقی تشخیص می‌دهیم. در واقع کریفیت جایگاه ویژه و تعیین‌کننده‌ای برای شهود اخلاقی قائل می‌شود که در منابع تعلیمی اخلاق کلیسا به چشم نمی‌خورد. بنابراین به زعم او اگر نیت‌مان خیر و شرایط نیز وخیم باشد، غیرممکن است که یک عمل، به ویژه یک گناه قابل عفو و بخشودنی همچون دروغ، از نظر اخلاقی بد باشد. این در حالی است که چنین نظرگاهی صریحاً از جانب کلیسای کاتولیک رد شده است. رویکرد کریفیت فقط متکی بر قصد و شرایط است و هیچ معیار عینی ارائه نمی‌کند. اخلاق او تنها بر اساس شهود فردی انسان است، گویی وجدان به خودی خود دلیلی است کافی. وجدان به جای این که حقیقت اخلاقی را از قانون طبیعی و وحی الهی بیابد، از شهود و تجربیات استفاده می‌کند. اما آموزه پاپ بندیکت شانزدهم این است که این عقیده اشتباه است، چون بدون معیارهای عینی برای قضاوت درباره ماهیت اخلاقی فعل، هر عملی که به نظر اخلاقی می‌رسد، اخلاقی خواهد شد و همه اعمال به نوعی قابل توجیه می‌شوند و هیچ چیز ذاتاً بد و همواره غیراخلاقی باقی نمی‌ماند.

البته مشابه موضع کریفیت در نمونه‌هایی از شرایط وخیم که او برای توجیه برخی دروغ‌ها از آنها استفاده می‌کند، قبلاً توسط سنت آگوستین مورد توجه قرار گرفته و رد شده است.

بر کریفیت خرده گرفته شده که اگر اخلاق مبتنی بر شهود اخلاقی است، چه کسی شهود اخلاقی بهتری دارد، پیتز کریفیت یا آگوستین؟! سنت آگوستین در اثر خود درباره دروغ نتیجه می‌گیرد که هر نوع دروغی گناه است (Augustine 1952, 66-68)، از جمله دروغ برای نجات یک فرد بی‌گناه از مرگ، دروغ برای نجات کسی از تجاوز جنسی و شرایط مختلف دیگر و از زمان آگوستین سایر قدیسین و کلیسای کاتولیک این موضع را تأیید کرده‌اند که دروغ‌گویی حتی اگر گناهی بخشودنی هم باشد همیشه غیراخلاقی است (Conte 2011).

۴. نتیجه‌گیری

کریفیت سعی دارد موضعی در مورد دروغ اختیار کند که با شهود انسان عادی قابل تصدیق است، یعنی در شرایط سخت وقتی افراد مضطر می‌شوند برای دروغ گفتن مجاز باشند. اما در الهیات عملی سنت مسیحی شاهد هستیم که دروغ را مطلقاً بد دانسته‌اند و بر آنند که یک امر غیراخلاقی مثل سقط‌جنین یا دروغ یا شکنجه و... مطلقاً و ذاتاً بد است و نمی‌توانیم برای آنها استثنا قائل شویم. اگر برای امر غیراخلاقی استثنا قائل شویم باید از

مطلق‌گرایی دست بشوئیم و نسبی‌گرا شویم. کریفت به رغم این که اشاره می‌کند ترس از نسبی‌گرایی که در الهیات عملی مسیحی به چشم می‌خورد ترس به حقی است، اما عقیده دارد که ما می‌توانیم هم از شهود اخلاقی دفاع کنیم و هم توأمان حقیقت اخلاقی یا واقع‌گرایی اخلاقی را حفظ کنیم و به ورطه نسبی‌گرایی نیفتیم. نظر کریفت جالب و قابل تأمل است، اگرچه مقدمات آن باید مورد تحلیل و بررسی بیشتری قرار گیرد که امید می‌رود در مقاله دیگری به طور مبسوط به آن پرداخته شود.

همچنین می‌توان بین نظریه کریفت و آنچه در سنت اسلامی تحت عنوان «دروغ مصلحت‌آمیز» طرح می‌شود شباهت‌هایی یافت. بسیاری از فقها و بزرگان شیعه^۱ بر این باورند که قبح دروغ ذاتی نیست و با استناد به ادله عقلی و نیز روایات حکم کرده‌اند که در مواردی بنا بر مصلحت دروغ‌گویی جایز و گاه لازم است. البته پیگیری این مطلب نیز مجال دیگری می‌طلبد.

کتاب‌نامه

- انصاری، شیخ مرتضی. ۱۳۷۶. *المکاسب المحرمة*، ج. ۲. دهقانی.
خمینی، روح‌الله الموسوی. ۱۴۱۰ ق. *المکاسب المحرمة*، ج. ۲. اسماعیلیان.
محقق اصفهانی. ۱۴۰۹ ق. *الاجارة*. مؤسسة النشر الاسلامی.
نراقی، ملامهدی. ۱۳۷۹. *جامع السعادات*، ج. ۲. اسماعیلیان.
Aquinas, St. Thomas. 1985. *Summa Theologica*, II-II. Christian Classics.
Augustine, Saint. 1952. *Treatises on Various Subjects (The Fathers of the Church, Volume 16)*. Vol. 16. CUA Press.
Conte, Ron. 2011. "On lying, intrinsic evil, and moral intuition (reply to Peter Kreeft)." Accessible online at: <ronconte.com>
Kant, Immanuel. 1993. *Grounding for Metaphysics of Morals*. Hackett Publishing Company.
Kreeft, Peter. 2011. "Why Live Action Did Right, and Why We All Should Know That." Accessible online at: <catholiceducation.org >
Kreeft, Peter. 2014. *Practical Theology: Spiritual Direction from Saint Thomas Aquinas*. Ignatius Press.
MacIntyre, Alasdair. 1988. "Whose justice? Which rationality?." In *The New Social Theory Reader*, edited by Steven Seidman, and Jeffrey C. Alexander, pp. 130-137. Routledge.

Vogt, Brandon. n.d. "Should you lie in order to prevent evil?" Accessible online at: <brandonvogt.com>

یادداشت‌ها

1. Peter John Kreeft
۲. اشاره دارد به فعالیت‌های مؤسسه لایو اکشن (Live Action) که خانم لیلا رز مدیریت آن را بر عهده دارد. لایو اکشن یک سازمان غیرانتفاعی ضد سقط‌جنین در آمریکا است و به خاطر ویدئوهای مخفیانه‌اش شناخته شده است. این فیلم‌ها نشان می‌دهد که کارکنان یک کلینیک چگونه برای سقط‌جنین مخفی و... مشاوره می‌دهند. مدافعان حقوق سقط‌جنین لایو اکشن را به سانسور ویدئوهای غیرانسانی به شیوه‌ای عمدی و گمراه‌کننده متهم کرده‌اند، اگرچه لایو اکشن نیز فیلم کامل و سانسورنشده را برای مشاهده عموم در دسترس قرار داده است.
3. innate moral common sense
4. Nominalism
5. irrational feeling
6. moral imagination
7. pro-lifers
۸. یکی از مواردی که بر اساس آن به کانت نسبت داده می‌شود که دروغ‌گویی را مطلقاً خطا می‌داند در Kant 1993, 429-30 است.
9. Live Action's expose of Planned Parenthood
برخی از مراکز «فرزندآوری برنامه‌ریزی‌شده»، یک یا هر دو نوع سقط‌جنین (سقط با قرص یا سقط در درمانگاه‌ها) را انجام می‌دهند.
۱۰. برای مطالعه بیشتر نک. انصاری ۱۳۷۶، ۱۵۱؛ خمینی ۱۴۱۰، ۹۱-۹۲؛ محقق اصفهانی ۱۴۰۹، ۳۵؛ نراقی ۱۳۷۹، ۹۸.